



فروزانفر به نقل و بررسی عبارات زمخشری در مورد خیام اختصاص دارد. البته، این بخش سخنرانی را آن مرحوم بسیار به اختصار برگزار کرده و وارد جزئیات آن نشده است. شرح دقیق‌تر ماجرای ملاقات خیام و زمخشری را می‌توان در کتاب ارزشمند اما مهجور حکیم عمر خیام و رباعیات اثر آقای کاظم برگ‌نیسی (تهران، ۱۳۸۳، ص ۵۵-۵۷) دید. به نظر آقای برگ‌نیسی، ملاقات میان خیام و زمخشری بین سالهای ۵۰۳ تا ۵۰۷ هجری در شهر مرو صورت گرفته است.

سید علی میرافضلی

در شماره ۳۱-۳۲ آن نشریه وزین یادداشتی با عنوان «شاهین و ترازو: نام پارسی دو ستاره» به قلم آقای سید محمد مظفری رودبرده، دانشجوی دوره دکتری تاریخ علم پژوهشگاه علوم انسانی منتشر شده بود که ذکر نکاتی در راستای تنویر اذهان خوانندگان لازم نمود.

گرچه نگارنده یادداشت مدعی نشده است که برای نخستین بار به این نکات اشاره می‌کند، اما سیاق مطلب ممکن است خواننده را به این گمان اندازد. لذا یادآور می‌شود که مطالب درست این یادداشت کمابیش بخشی از مطالبی است که پاول کونیتچ، پژوهشگر آلمانی تاریخ نجوم در اثر مشهور خود «نامهای عربی ستارگان در اروپا» - که در ۱۹۵۹ میلادی و به زبان آلمانی منتشر شده - ذیل دو مدخل Alshin/Alschain و Tarzend/Tarazed آورده است. (فارسی بودن شاهین و ترازو و ارجاع به آثار کونیتچ را حتی می‌توان در منابع سهل‌الوصولی چون ویکی‌پدیا پیدا کرد). البته نگارنده یادداشت، نام اثری دیگر از کونیتچ را که روایت انگلیسی مختصر همین کتاب است و در ۱۹۸۶م توسط ناشر کتاب نخست منتشر شده در شمار مآخذ خود آورده‌اند، اما از متن یادداشت نمی‌توان دریافت که نوشته ایشان در واقع ترجمه‌گونه‌ای از پژوهش اخیرالذکر کونیتچ است.

همچنین در فراهم آوردن این روایت انگلیسی تیم اسمارت نیز به عنوان مؤلف دوم مشارکت داشته که متأسفانه نامش در یادداشت نیامده است. مروری کوتاه بر روایت آلمانی این اثر روشن می‌سازد که کونیتچ نکات مهم دیگری نیز در این باب آورده است که در یادداشت آقای مظفری دیده نمی‌شود (بیشتر منابعی که در این جا بدانها اشاره کرده‌ام، جز یک مورد، در واقع برگرفته از

در آخرین شماره گزارش میراث که به لطف جنابعالی و همکاران به دست من رسید (ش ۳۱-۳۲: فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۸)، جزو یادداشتهای فاضل ارجمند آقای مهران افشاری، اشاره‌ای نیز به رساله «الزاجرة للصفار» زمخشری (۴۶۵-۵۳۸ ق) به عنوان منبعی کهن در مورد خیام شده بود (ص ۱۶) و ایشان حدس زده‌اند که این رساله زمخشری، کهن‌ترین مأخذی است که در آن از حکیم عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری سخن رفته و تاکنون کسی متذکر آن نشده است. ضمن تأیید این نکته که رساله مذکور کهن‌ترین مأخذ در شناخت خیام است، این نکته را نیز یادآور می‌شوم که مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر این مأخذ ارزشمند را ۶۱ سال پیش، دقیقاً روز سه‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۲۷، طی نطقی که در دانشکده ادبیات تبریز ایراد فرمودند، معرفی کرده و متن آن در کتاب مجموعه مقالات و اشعار استاد بدیع‌الزمان فروزانفر که سال ۱۳۵۱ به اهتمام آقای عنایت‌الله مجیدی فراهم آمده، با عنوان «قدیم‌ترین اطلاع از زندگانی خیام» به چاپ رسیده است (صفحات ۲۴۲-۲۶۸). متن این سخنرانی را علی‌دهباشی دیگر بار در کتاب می و مینا تجدید چاپ کرده است (تهران، ۱۳۸۳، ص ۲۰-۴۳).

مرحوم فروزانفر در سخنرانی عالمانه خود ابتدا بحث مفصلی در مورد صحت انتساب رساله «الزاجرة للصفار» به زمخشری پیش کشیده، سپس سعی کرده تاریخ تقریبی نگارش رساله را به دست دهد که مشخص شود قدیم‌ترین متنی است که در آن از خیام یاد شده است (قدیم‌تر از چهارمقاله عروضی سمرقندی و تتمه صوان الحکمة ابوالحسن بیهقی). طبق بررسیهای مرحوم فروزانفر، رساله مذکور قبل از مسافرت زمخشری به مکه (در سال ۵۱۶ ق) نگارش یافته است. بخش سوم سخنرانی مرحوم

کتاب کونیتچ است و تنها به جای ارجاع غیر مستقیم و به واسطه به منابع اروپایی و دست‌نوشته‌ها، ارجاع به نسخه چاپی جایگزین شده است). گویا علت این امر آن است که روایت انگلیسی مورد استفاده ایشان بسیار مختصرتر از روایت آلمانی بوده است. همچنین به نظر می‌رسد که آقای مظفری به صورالکواکب عبدالرحمان صوفی مراجعه نکرده و تنها به تکرار ارجاع کونیتچ - اسمارت و ذکر منابع آنها در پایان یادداشت خود بسنده کرده است؛ چه ایشان در یادداشت خود آورده است: «این دو نام در صورالکواکب عبدالرحمن صوفی آمده است؛ در نزد صوفی «شاهین ترازو» اصطلاحی است که عوام به ستاره نسر طائر (α Aql) داده‌اند، چون سه ستاره فوق‌الذکر در آسمان بر یک خط مستقیم پدیدار می‌شوند.»

اما در متن عربی صورالکواکب که ایشان دعوی مراجعه به آن را دارد هیچ نشانی از این دو واژه نمی‌یابیم. در صفحه ۲۱۱ چاپ حیدرآباد چنین آمده است: «... و العامة تسمى الثلاثة المشهورة "الميزان" لاستواء الكواكب». همچنان که می‌بینیم، صوفی اصلاً اشاره‌ای به دو واژه فارسی شاهین و ترازو ندارد بلکه فقط از لفظ عربی میزان (ترازو) یاد می‌کند.

در واقع آنچه کونیتچ نقل کرده و گویا آقای مظفری از آن صوفی دانسته، بخشی از کتاب بیست باب در معرفت اسطرلاب خواجه نصیرالدین طوسی است، آنجا که وی در باب بیستم «در معرفت ستاره چند که بر اسطرلابها نقش کنند» آورده است: «و در مقابل او از سوی مشرق و جنوب نزدیک [کنار] مجرّه ستاره روشن بود میان دو ستاره دیگر تاریک که مثال خط مستقیم [باشد] و عوام آن را شاهین ترازو خوانند، آن ستاره روشن نسر طائر است.»

البته به گمان این‌جانب، شایسته بود که ایشان در این موضع به ترجمه فارسی صورالکواکب که اتفاقاً آن نیز به قلم خواجه نصیرالدین طوسی است و کونیتچ دست‌کم در روایت آلمانی بدان اشاره نکرده، نگاهی می‌افکند؛ آنجا که خواجه در ترجمه عبارت صوفی نامهای عربی را به نامهای پارسی برگردانده و گفته است: «و عوام سه کواکب نسر طائر را ترازو خوانند، از جهت راستی کواکب بر مثال شاهین.»

اما باز هم باید توجه داشت که راه یافتن این دو واژه در ترجمه فارسی را نمی‌توان با عبارت «در نزد

صوفی...» تعبیر کرد.

به هر روی بنده در متون عربی در دسترس صورت «الشاهین» (با الف و لام) را نیافتم. بحث نگارنده یادداشت درباره «ترازد» و اشاره به مصحف بودن آن نیز در همان اثر کونیتچ آمده است و با شاهی که از ترجمه فارسی صورالکواکب بدان افزودیم تردیدی در آن باقی نمی‌ماند. البته یادداشت آقای مظفری چندان هم از مطالب نو خالی نیست. مثلاً این اظهار نظر قطعی ایشان که «نامهای عربی، مأخوذ از صورت‌پردازی اعراب بادیه‌نشین از ستارگان است که پیش از ورود صورتهای چهل‌وهشت‌گانه یونانی به جهان اسلام (از طریق ترجمه مجسطی بطلمیوس به عربی) وجود داشته است»، دست کم با این قطعیت تا کنون در هیچ منبع معتبری ذکر نشده است و از این جهت ایشان بر دیگر محققان فضل تقدم دارند. هرچند با یک نگاه به نام برخی اسامی عربی ستارگان که امروزه در اروپا نیز رواج دارند، می‌توان چندین نام را یافت که در واقع ترجمه عربی نامهای یونانی ستارگان هستند و بی‌شک و بر خلاف حکم کلی آقای مظفری باید این نامها را به بعد از آشنایی مسلمانان با المجسطی بطلمیوس نسبت داد. از آنجا که نمی‌خواهم یادداشت بنده از نوشته ایشان طولانی‌تر شود، از بحث درباره نکات دیگر خودداری می‌کنم.

منابع (عمدتاً مبتنی بر منابع کونیتچ)

- عبدالرحمان صوفی، صور الكواکب الثمانية و الاربعين، حیدرآباد دکن، ص ۲۱۱.
- نصیرالدین طوسی، بیست باب در معرف اسطرلاب، تهران، ۱۳۳۵ش، ص ۶۳.
- همو، ترجمه صورالکواکب عبدالرحمن صوفی، به کوشش معزالدين مهدوی، تهران، ۱۳۵۱ش، ص ۱۰۳.
- Kunitzsch, Paul, *Arabische Sternnamen in Europa*, Otto Harrasowitz, Wiesbaden, 1959, pp. 137-138, 211.
- Schjellerup, Hans Carl Fredrik Christian, *Description des étoiles fixes* (ترجمه فرانسه)، Petersburg, 1874, p. 106. (صورالکواکب

ارادتمند

کیومرث نخستین



گزارش میراث